

شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری ورزش همگانی ایران

محمد جوادی‌پور^۱

سمیه رهبری^۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری ورزش همگانی ایران انجام گرفته است. این پژوهش از نظر هدف در شمار پژوهش‌های کاربردی و از منظر ماهیت داده‌های پژوهشی جزو تحقیقات طرح آمیخته اکتشافی است. در بخش کیفی پژوهش، شانزده نفر از مدیران و کارشناسان خبره ورزش همگانی نمونه آماری در نظر گرفته شدند که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه گردآوری شد و به روش استرابت و کارپنتر (۲۰۱۱) کدگذاری و تجزیه و تحلیل شد. جامعه آماری در بخش کمی مدیران فدراسیون ورزش‌های همگانی، رؤسای کمیته‌های فدراسیون، رؤسای انجمن‌های تحت پوشش فدراسیون و رؤسای هیئت‌های ورزش همگانی استان‌ها بودند (دویست نفر) که نمونه‌ها به شیوه تصادفی ساده انتخاب شدند. پرسش‌نامه محقق‌ساخته ابزار گردآوری داده‌های پژوهش در این مرحله بود. گویه‌های این پرسش‌نامه از مصاحبه نظام‌مند با مدیران و کارشناسان خبره و پیشینه پژوهش استخراج شد. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه را چند تن از استادان متخصص تأیید کردند و روایی سازه با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی تأیید شد. پایایی پرسش‌نامه با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد ($\alpha = 0/83$). تحلیل داده‌ها در این بخش با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و با آزمون ویلکاکسون انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری ورزش همگانی ایران شامل مؤلفه‌های سازمانی، باورها و فرهنگ‌ها، شرایط اقتصادی، تحلیل، تفسیر و تدوین علمی و مطالعات و پژوهش‌هاست. بنابراین ضرورت دارد سیاست‌گذاری ورزش همگانی ایران مبتنی بر مؤلفه‌های شناسایی شده و تحلیل شده در این پژوهش باشد.

واژگان کلیدی: ورزش همگانی، سیاست‌گذاری ورزش، ایران.

مقدمه

شناخت است. با نگاهی علمی و محققانه به شناخت فرایندها و بنیادهای نظری حاکم بر فرایند سیاست‌گذاری در ایران و عوامل تأثیرگذار، می‌توان جامعه سیاست‌گذاران را شناسایی و تأثیر آن را بر روند منطقی و عقلایی سیاست‌گذاری تحلیل کرد. اگرچه تحلیل و ارزیابی سیاست‌ها به ابزارهای دقیق علمی و الگوهای معتبر نیاز دارد، دستیابی به این مهم مستلزم تبیین وضع مطلوب،

بسیاری از تحلیل‌گران علوم سیاسی معتقدند شناخت فرایندهای سیاست‌گذاری، بنیادهای معرفتی و نظری حاکم بر این عرصه، ابزارها، تاکتیک‌ها و روش‌ها به کنش‌گران و محققان کمک می‌کند تا به گفته دیوید ایستون^۳ به «جعبه‌سیاه سیاست‌گذاری‌ها» دست یابند. در این میان، شیوه و بیان و گفتمان موجود در سیاست‌ها، که در هر فرایند سیاست‌گذاری وجود دارد، راهنمای خوبی برای این

۱. دانشیار مدیریت برنامه‌ریزی درسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول): javadipour@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، تهران، ایران

روحي و رواني در اقسار گوناگون جامعه، اعم از مرد و زن و پير و جوان، است. به همين سبب، پرداختن به آن و اعمال سياست‌هاي صحيح براي رسيدن به اهداف آن، اگر مهم‌تر از پرداختن به ورزش قهرماني نباشد، کمتر از آن نيست. چه بسا فرايند سياست‌گذاري در ورزش همگاني و رساندن آن به جايگاه مطلوب و جذب جامعه هدف، که همان خانواده‌ها و جوانان و نوجوانان هستند، به علت گستردگي آن بسيار پيچيده است و به توجه و هماهنگي بيشتري ميان حوزه‌هاي فرهنگي، اجتماعي و اقتصادي و همکاري متقابل نهادهاي فرهنگي، اجتماعي و اقتصادي در فرهنگ‌سازي، آگاه‌سازي، اطلاع‌رساني، ايجاد امکانات کم‌هزينه و سهل‌الوصول براي اقسار مختلف اجتماع نياز دارد.

تاکنون پژوهش‌ها يا مطالعه‌اي درباره بررسي فرايند سياست‌گذاري در ورزش همگاني و حتي در عرصه ورزش صورت نگرفته است و در پژوهش‌هاي اندکي مقوله سياست و ورزش بررسي شده، فقط حوزه‌هاي خاص از بحث سياست و ورزش پوشش داده شده است. پژوهش حاضر، از حيث بررسي فرايند سياست‌گذاري در ورزش همگاني ايران، کاري جديد است و تاکنون پژوهشي در اين زمينه صورت نگرفته است. از پژوهش‌هاي داخلي که بي ارتباط با پژوهش حاضر نيست، مي‌توان به پژوهش‌هاي زير اشاره کرد:

ملکوتيان (۲۰۰۹) در پژوهشي با عنوان «سياست و ورزش» به جنبه‌هاي گوناگون رابطه ورزش و سياست پرداخته است. بر اساس اين بررسي، رابطه ورزش و سياست رابطه‌اي دوطرفه است. از يک طرف سياست، از طريق تدوين و اجرائي راهبرد ورزشي، در ورزش تأثير دارد و از طرف ديگر ورزش، از طريق تحکيم ارزش‌هاي انساني و همبستگي ملي و افزايش مشارکت سياسي، در سياست تأثير مي‌نهد و البته خود نيز، به ويژه در زمان برگزاري ورزش‌هاي بين‌المللي، مورد استفاده قدرت‌هاي جهاني قرار مي‌گيرد. دوستي و همکاران (۲۰۱۳) پژوهشي با عنوان «علل ورود سياست‌مداران به ورزش» انجام دادند. بر اساس يافته‌هاي اين پژوهش، ۷۳ متغير در بخش عوامل مرتبط با ورود مديران سياسي به ورزش شناسايي شده است. مي‌توان گفت که، در ميان عوامل مرتبط با حضور مديران سياسي، علل ورود مديران سياسي به ورزش و دخالت در آن (۳۱ متغير) مهم‌تر به نظر مي‌رسد. هوليهان^۲ (۲۰۰۵) در مطالعه‌اي به توسعه چارچوبي براي تحليل تدوين سياست‌گذاري بخش عمومي ورزش انگلستان مي‌پردازد. وي الگوي مراحل، تحليل سازماني، الگوي چندمرحله‌اي جريان و ساختار ترکيبي پشيمان را ارائه مي‌کند و سپس ساختاري مناسب براي سياست‌گذاري بخش عمومي ورزش، که بر نقاط قوت ساختارهاي موجود تأکيد دارد، ارائه مي‌نمايد و تأکيد ويژه‌اي بر ساختارهاي همکاري متقابل همه نهادها در اين حوزه دارد.

شناسايي وضع موجود و تحليل شکاف بين دو وضع مطلوب و موجود است (اشتریان، ۱۳۸۷).

نظام سياست‌گذاري در ايران بنيادهاي معرفتي و نظري خاصي دارد که به وجودآورنده ابزارها و فنون متناسب با خود هستند. از اين رو، براي شناخت سياست و سياست‌گذاري، شناخت اين بنيادها از يک سو به بهينه‌سازي فرايندهاي سياست‌گذاري آينده کمک شاياني مي‌کند و از سوي ديگر ما را با نقاط قوت و ضعف و خلاهاي موجود آشنا مي‌سازد (الواني و شريف‌زاده، ۱۳۸۳). مارتين لوترکينگ مي‌گويد: اگر مي‌خواهيد مردم را به حرکت واداريد، حرکت بايد به سوي هدفي چشم‌اندازي باشد که از نظر آنها مثبت است، از ارزش‌هاي مهمي بهره گيرد، چيزي را به آنها بدهد که آرزويش را دارند و نيز بايد به روشي الزامي عرضه شود که مردم احساس کنند براي پيگيري آن اشتياق دارند (طرح اجمالي سند جامع ورزش کشور، ۱۳۸۱). با اينکه بيشتري دولت‌ها سياست‌هاي ملي دارند و بسياري از آنها بودجه‌هايي را به طرح‌هاي بين‌المللي اختصاص مي‌دهند، تعداد کمي از آنها چارچوب سياسي هماهنگي را براي هدايت/ مساعدت برنامه توسعه ورزش^۱ در سطح بين‌المللي، با وضع قانون يا راهبردهاي تنظيمي روشن و برنامه‌هاي صريح و اختصاصي و البته بودجه‌هاي متعدد، توسعه داده‌اند (Kim, 2001). هرچند ورزش امري اجتماعي است، ولي در تحليل اين پديده بر مبناي فرضيه‌ها و نظريه‌هاي علوم اجتماعي، در قياس با بسياري از امور اجتماعي ديگر، بايد با احتياطي بيشتري برخورد کرد. در تحليل پديده ورزش بايد بر مبناي تحليل پديده‌هاي بين‌رشته‌اي عمل کنيم، زيرا بدون شک امروزه ورزش با فرهنگ، جامعه‌شناسي، روان‌شناسي، اقتصاد و سياست پيوند تنگاتنگي يافته است. درحالي که در تحليل پديده‌هاي اجتماعي مي‌توان، هم‌زمان با توجه به شرايط ديگر، عامل يا شرايطي را (بسته به نوع پديده) عامل اصلي دانست. درديدگاه جامعه‌شناختي کارکردگرايي، ورزش با تخليه هيجان‌ها و تنش‌ها و انرژی پرخاشگري افراد و تأکيد بر ارزش‌هاي مثبت اجتماعي در جامعه‌پذيري سياسي مؤثر است و باعث تقويت وحدت ملي و ثبات و تعادل اجتماعي مي‌شود. در اين دیدگاه، زماني ثبات و تعادل اجتماعي حفظ مي‌شود که ارزش‌ها و محيط باهم سازگار باشند و آن‌هم در صورتي است که ارزش‌هاي جامعه، از طريق يک روند باکفائيت جامعه‌پذيري، به‌خوبي به نسل‌هاي جديد منتقل شود (Malakoutian, 2009). ورزش همگاني با بطن جامعه مرتبط است و هدف آن انتشار نشاط و شادابي، بالابردن روحيه و افزايش انگيزه، داشتن زندگي سالم در بعد فردي و اجتماعي، کم‌کردن ناهنجاري‌هاي خانوادگي و اجتماعي در کنار تقويت قواي جسماني و از بين بردن مشکلات

ایجاد مشارکت اجتماعی) در توسعه فرهنگی ورزش همگانی و حرفه‌ای کشور انجام شد. باتوجه به یافته‌های تحقیق و اظهارات آزمودنی‌ها رسانه‌های جمعی، باوجود تأثیرشان در توسعه فرهنگی ورزش کشور، توجه مناسب و مطلوبی به این مسئله نداشتند. درضمن بیشتر برنامه‌های ورزشی رسانه‌ها در ارتباط با ورزش قهرمانی و حرفه‌ای است و به ورزش همگانی و تفریحی کمتر توجه می‌شود.

بنابراین، با توجه به مطالب ذکرشده و چشم‌انداز فدراسیون ورزش‌های همگانی و تفریحی (حرکت به‌سوی ایرانی فعال، شاداب و سالم تا سال ۱۴۰۴ با پوشش ۵۰ درصد از افراد جامعه) و تعریف حرکت: «سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، بسترسازی، ایجاد انگیزه، حمایت و حفظ دستاوردها»، سیاست‌گذاری نظام ورزش همگانی در ایران اهمیت و ضرورت می‌یابد. همچنین، باتوجه به حساسیت ورزش همگانی و اثرگذاری آن در سطوح جامعه، حمایت فراوان از سوی عموم مردم، کارگزاران، سیاست‌مداران و بخش خصوصی نیاز است تا این مسئله در دستور کار قرار گیرد. به همین منظور، در این پژوهش سعی شده با نگاهی علمی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سیاست‌گذاری ورزش همگانی شناسایی شود. معرفی و بررسی چارچوب‌های موجود در تحلیل سیاست‌های ورزش و به‌تبع آن سیاست‌ها و برنامه‌های ورزش همگانی می‌تواند خلأ موجود در ارزیابی سطوح سیاست‌گذاری را پوشش دهد. با داشتن مدل و رویکرد در فرایند سیاست‌گذاری ورزش همگانی، می‌توان از یک‌طرف به‌صورت علمی به ارزیابی مجدد اولویت‌های سیاسی مربوط به ورزش همگانی پرداخت و از طرف دیگر، روابط سیاست‌گذاری موجود در جهان واقعی را به‌سرعت درک کرد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش روش آمیخته اکتشافی^۳ است. بدین منظور، این مطالعه در دو فاز اصلی (بخش اول کیفی و بخش دوم کمی) انجام شده است. این پژوهش از نظر هدف در شمار پژوهش‌های کاربردی و از منظر ماهیت داده‌های پژوهشی جزو پژوهش‌های طرح آمیخته است. برای اجرای اولین بخش این پژوهش، جامعه آماری متشکل از خبرگانی بود که در زمینه ورزش همگانی تخصص علمی، اجرایی و یا هر دو را داشتند (از جمله استادان دانشگاه که دارای کتاب یا پژوهش در ورزش همگانی بودند و همچنین مدیران سازمان‌های مرتبط با ورزش همگانی) که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و به‌طور کلی در جریان موضوع مصاحبه قرار گرفتند و سپس به بیان آرا و دیدگاه‌های خود درباره سؤالات مصاحبه پرداختند. مصاحبه، به‌طور ساختارنیافته، با

ژوزف و سیسیلیا^۱ (۲۰۱۵) تحقیقی با عنوان «سیاست ورزش در سوئد» انجام دادند. نتایج حاکی از این بود که سیاست‌های ورزشی در سوئد نتیجه رابطه‌ای بلندمدت بین دولت‌های ملی و محلی و باشگاه‌های غیرانتفاعی و با عضویت داوطلبانه است که به حمایت گسترده‌ای از ورزش‌های سازمان‌یافته منجر می‌شود. در این رابطه، که با قراردادی ضمنی تعریف می‌شود، دولت درباره میزان و هدف بودجه تصمیم می‌گیرد و دریافت‌کننده، یعنی کنفدراسیون ورزش سوئد، جزئیات مربوط به توزیع و مدیریت را تعیین می‌کند. نتایج پژوهش سارجیت سینگ^۲ (۲۰۱۷)، که به سیاست‌ها و راهبردهای توسعه ورزش همگانی در کشور مالزی پرداخت، حاکی از آن بود که دولت مالزی از طریق وزارت ورزش و جوانان سه برنامه بزرگ ملی برای افراد در تمام سنین راه‌اندازی کرده است. این سه برنامه «مالزی متناسب»، «روز ملی ورزش» و «الهام‌بخشیدن» است. این برنامه‌ها در تمام پانزده ایالت و بیش از ۱۲۰ بخش سازمان‌دهی شده و تمام مردم را، با هرگونه زندگی و در هر سن، دربر می‌گیرد. هدف اصلی این سیاست ورزشی تبدیل ورزش به فرهنگ در زندگی روزمره مردم بود. اهداف و راهبردهای مشخص‌شده در این سیاست تضمین می‌کند که تمام تلاش‌ها در این راستا، همراه با تلاش‌ها برای رسیدن به وضعیت توسعه‌یافته در کشور مالزی، به موفقیت بینجامند.

تجربه کشورهای صاحب‌نام در این زمینه حاکی از آن است که پیشرفت و توسعه ورزش همگانی در این کشورها مرهون سرمایه‌گذاری دولت و مردم و همکاری گسترده آن‌هاست. در مطالعه‌ای که بر روی ۱۲۶ کشور جهان انجام شده مشخص شد که، هرچند ۹۲ درصد از این کشورها تربیت‌بدنی را برای تمامی اقشار جامعه اجباری و لازم‌الاجرا می‌دانند، فقط در ۷۱ درصد آن‌ها تربیت‌بدنی با نیازهای اجتماعی هماهنگ است و در ۲۹ درصد دیگر، وسیله‌ای است برای رسیدن به اهدافی غیر از ماهیت ورزش. در ۶۰ درصد کشورهای درحال توسعه، سیاست‌های ورزشی در حد شعار و روی کاغذ باقی می‌ماند. همچنین در این مطالعه مشخص شد که فاصله آنچه قانون تعیین کرده و آنچه اجرا می‌شود فراوان است (غفوری و همکاران، ۱۳۸۶). همچنین یافته‌های پژوهش سواد و همکاران (۱۳۹۶)، که به طراحی الگوی توسعه ورزش همگانی در استان هرمزگان پرداختند، نشان داد که همگانی‌شدن ورزش در استان هرمزگان، بر اساس چارچوب حمایت عوامل محیطی، مداخله مثبت عوامل مدیریتی، بسترسازی منابع و نهایتاً از طریق عوامل رفتاری صورت می‌پذیرد. پژوهش ایرج‌پور و همکاران (۱۳۹۶) با هدف بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی (فرهنگ‌سازی، آموزشی، اطلاع‌رسانی و

1. Josef and Cecilia

2. Sargit Singh

3. Exploratory mixed method

جامعه آماری در بخش کمی مدیران فدراسیون ورزش‌های همگانی، رؤسای کمیته‌های فدراسیون، رؤسای انجمن‌های تحت پوشش فدراسیون و رؤسای هیئت‌های ورزش همگانی استان‌ها بودند (دویست نفر) که این افراد دارای سوابق علمی و اجرایی در حوزه ورزش همگانی بودند. در نهایت حدود پنجاه نفر به شیوه تصادفی ساده انتخاب شدند و به پرسش‌نامه تحقیق پاسخ دادند. ابزار گردآوری داده‌های پژوهش پرسش‌نامه محقق‌ساخته شصت‌سؤالی بود. گویه‌های این پرسش‌نامه از پیشینه پژوهش و مصاحبه نظام‌مند با مدیران و کارشناسان خبره استخراج شد. روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه را چند تن از متخصصان تأیید کردند و روایی سازه نیز با استفاده از تحلیل عامل اکتشافی تأیید شد. پایایی آن با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد ($\alpha=0/83$). تحلیل داده‌ها در این بخش با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS با آزمون ویلکاکسون انجام شد.

یافته‌ها

نتایج بخش کیفی

بر اساس اولین هدف پژوهش، به دنبال پاسخ به این سؤال بوده‌ایم که آیا در ورزش همگانی ایران سیاست‌گذاری به نحو صحیح انجام می‌شود؟ در این بخش نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل مصاحبه‌ها ارائه می‌شود. آسیب‌شناسی فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی کشور اولین هدف پژوهش بود. با بررسی نظر شرکت‌کنندگان در مصاحبه، هشت عامل ضعف نظارت و کنترل، ساختار ضعیف، ضعف در برنامه‌ریزی و اجرا، عملکرد ضعیف رسانه‌ها، منابع مالی محدود، عملکرد ضعیف نیروی انسانی، قوانین، مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی به‌عنوان آسیب در فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی کشور شناسایی شده‌اند. این عوامل و مقوله‌های مرتبط با آن‌ها در جدول ۱ آورده شده است. برای رسیدن به هدف بعدی پژوهش، مؤلفه‌هایی بررسی شد که در فرایند سیاست‌گذاری ورزش همگانی کشور نقش دارند. به عقیده مصاحبه‌شوندگان پنج مؤلفه در سیاست‌گذاری صحیح ورزش همگانی مؤثرند: مؤلفه‌های سازمانی، باورها و فرهنگ‌ها، شرایط اقتصادی، تحلیل و تفسیر و تدوین علمی، و مطالعات و پژوهش‌ها. مقوله‌های مرتبط با این مؤلفه‌ها در جدول ۲ آورده شده است.

در ادامه، از مصاحبه‌شوندگان درباره نحوه طرح یا ارائه موضوعات مربوط به ورزش همگانی کشور در سطوح جامعه سؤال شد. رسانه‌ها، نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط و ذی‌نفع و مطالبات اجتماعی مؤلفه‌های شناسایی شده در این خصوص بودند. جدول ۳ مقوله‌های مرتبط با این مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد.

شانزده نفر که تمایل به همکاری داشتند انجام گرفت. نمونه‌گیری تا زمان اشباع داده‌ها ادامه یافت. سپس داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به روش استرابت و کارپنتر^۱ کدگذاری و تجزیه و تحلیل شد. از نظر استرابت و کارپنتر (۲۰۱۱)، اشباع یعنی ادامه جمع‌آوری داده‌ها به تکرار جمع‌آوری داده‌های قبلی بینجامد و اطلاعات جدیدی به‌دست نیاید. از این رو، تعداد مشارکت‌کنندگان قبل از مطالعه مشخص نمی‌شود و تصمیم‌گیری درباره مشارکت‌کننده بعدی به اطلاعات حاصل از مشارکت‌کننده‌های قبلی بستگی دارد و تا زمانی که کدهای جدیدی از مصاحبه‌ها استخراج شود و اطلاعات به‌دست‌آمده تکراری نباشد نمونه‌گیری ادامه می‌یابد. کدگذاری و به‌عبارتی تجزیه و تحلیل داده‌ها در این روش، بر اساس جمع‌آوری اطلاعات، از طریق سؤالات و محورهای انتخاب‌شده انجام گرفت. پس از مصاحبه، محقق صحبت‌های ضبط‌شده را به متن نوشتاری تبدیل کرد. همچنین جملات و عبارات و نقل‌قول‌هایی مشخص شدند که به درک بهتر افراد از موضوع اصلی تحقیق دلالت می‌کردند. در مرحله بعد، محقق از عبارات مهم برای دسته‌بندی معانی استفاده کرد و به زیرمضمون‌ها دست یافت. این زیرمضمون‌ها نیز، برای ثبت نظر شرکت‌کنندگان، در پوشش مضمون‌ها استفاده شد. به‌منظور تأیید روایی و اطمینان‌پذیری داده‌ها، یافته‌ها به شرکت‌کنندگان ارائه شد، نظر آن‌ها دریافت و دوباره پرسیده شد. گوبا و لینکلن^۲ (۱۹۹۴) معتقدند برای تأیید روایی و دقت علمی در پژوهش‌های کیفی، با استفاده از مفهوم قابلیت اعتماد و عناصر چندگانه آن، راهبردهای متعددی نظیر بازبینی در کدگذاری، تأیید نتایج با مراجعه به آزمودنی‌ها، تأیید همکاران پژوهشی وجود دارد. در پژوهش حاضر نیز، به‌منظور افزایش اعتبار پژوهش، به کسب نظر از استادان و متخصصان امر درخصوص روند پژوهش اقدام شد. برای تأیید دقت علمی، از بازبینی کدگذاری‌ها (پایایی بازآزمون) و تأیید همکاران پژوهشی بهره گرفته شد. به‌عبارت‌دیگر، در این تحقیق، برای محاسبه پایایی مصاحبه با روش توافق درون‌موضوعی دو کدگذار (ارزیاب)، از محقق دیگری درخواست شد تا به‌عنوان همکار پژوهش (کدگذار) در پژوهش مشارکت کند؛ آموزش‌ها و روش‌های لازم برای کدگذاری مصاحبه‌ها به وی انتقال داده شد. سپس محقق، به‌همراه این همکار پژوهش، دو مصاحبه را کدگذاری می‌کند و درصد توافق درون‌موضوعی محاسبه می‌شود که درحکم شاخص پایایی تحلیل به‌کار می‌رود. پایایی بین کدگذاران برای مصاحبه‌های انجام‌گرفته ۷۹ درصد به‌دست آمد. باتوجه به اینکه این میزان پایایی بیشتر از ۶۰ درصد قابل‌قبول است (Mintzberg et al, 1998)، قابلیت اعتماد کدگذاری‌ها تأیید می‌شود و می‌توان ادعا کرد که میزان پایایی تحلیل مناسب است.

1. Streubert & Carpenter

2. Guba and Lincoln

جدول ۱: آسیب‌شناسی فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی

مضمون‌ها	مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها
ضعف نظارت و کنترل	پیگیر نبودن کمیته ملی المپیک و پارالمپیک؛ نبود نظارت جدی اداری و نظام‌مند بر اجرای سیاست‌ها؛ بی‌توجهی وزارت خانه‌های مسئول.
ساختار ضعیف	نبود سامانه وزارت‌خانه و هیئت‌های استانی؛ وجود فدراسیون ورزش‌های همگانی و نداشتن فعالیت مستقیم زیر نظر وزارت ورزش؛ مشارکت همگانی و غیرسازمانی بودن آن؛ نداشتن ساختار مدیریتی مناسب؛ ضعف نظام ارتباطی میان نهادهای مسئول.
ضعف در برنامه‌ریزی و اجرا	تعدد تصمیم‌گیرندگان و نداشتن وحدت رویه و برنامه‌ای جامع؛ فقدان برنامه‌ریزی جامع و کاربردی با مشارکت همه مسئولان ذی‌ربط؛ تمرکز بر روی برنامه‌های بلندمدت؛ دیربازده بودن برنامه‌ها و طرح‌های پیش‌بینی شده؛ توجه بیش از حد به تبدیل سیاست‌ها به دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها؛ توجه بیش از حد به استنادها؛ بی‌توجهی به فرایند بین‌المللی و ایجاد فاصله با جهان.
عملکرد ضعیف رسانه‌ها	فقدان فرهنگ‌سازی
منابع مالی محدود	وابستگی مالی به دولت؛ سیاست‌گذاری‌های ناهماهنگ بر اساس میزان محدود منابع مالی و امکانات.
عملکرد ضعیف نیروی انسانی	استفاده نکردن از پیش‌کسوتان؛ تصمیم‌گیری سلیقه‌ای مسئولان و تغییرات مداوم سیاست‌ها؛ شعار دادن بدون عمل کردن.
قوانین	تمرکزگرایی؛ نهادینه نبودن سیاست‌ها و زنجیروار نبودن اهداف؛ سهم‌خواهی فدراسیون و وزارت ورزش از برنامه‌های ورزشی سازمان‌ها.
مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی	بلااستفاده ماندن ساعات بسیار در دانشگاه‌ها و مدارس و کارخانجات؛ فقدان آسیب‌شناسی فاصله بین کشورهای صاحب سبک و ایران.

جدول ۲: مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری ورزش همگانی

مضمون‌ها (مؤلفه‌ها)	مقوله‌های استخراج‌شده از مصاحبه‌ها
مؤلفه‌های سازمانی	راهبردهای مقام معظم رهبری؛ سند توسعه ورزش‌های همگانی و روش مسیر بحرانی آن؛ سند تحول و ارزیابی و پیگیری آن؛ توسعه کمی و کیفی دسترسی به ورزش‌های همگانی؛ ترویج ساختار مدیریتی ورزش‌های همگانی؛ توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات؛ گسترش مشارکت نهادهای عمومی و مردمی؛ برگزاری مستمر رویدادهای گوناگون؛ توجه به ورزش برای کاهش آسیب‌های اجتماعی در کنار توجه به ورزش قهرمانی؛ بهره‌وری و استفاده بهینه از توانمندی افراد؛ گسترش رشته‌های گوناگون؛ همکاری نهادها و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی و سازمان‌های ذی‌ربط و میزان حضور ورزش در برنامه‌هایشان؛ قوانین ورزش؛ میزان توجه به ورزش و برنامه‌ریزی برای آن.
باورها و فرهنگ‌ها	ترویج فرهنگ ورزشی و تحرک در جامعه و نهادینه کردن آن؛ باورهای فرهنگی مردم؛ باور بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری و همراهی آن‌ها برای سودآوری و همراهی سایر نهادها مثل آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، بهداشت و درمان، بهزیستی و حتی نیروهای نظامی.
شرایط اقتصادی	امکانات و تجهیزات مناسب؛ بودجه برای انگیزش مردم به ورزش کردن؛ بهره‌برداری از منابع مالی؛ دسترسی به امکانات.
تحلیل، تفسیر و تدوین علمی	داشتن تعاریف واحد و همگون از ورزش همگانی؛ شناخت وضعیت موجود و نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها؛ داشتن مدیران سیاست‌گذار؛ تدوین فلسفه ورزش؛ هدف‌گذاری؛ طرح مسئله؛ شناخت محیط و تحلیل آن؛ تدوین برنامه جامع؛ تعیین سهم و وظایف هر نهاد.
مطالعات و پژوهش‌ها	استفاده از نتایج تحقیقات؛ مطالعه محیطی کشورهای موفق در زمینه ورزش همگانی و الگو برداری از آن‌ها؛ علمی بودن و چگونگی انطباق عملکرد با استانداردهای علمی.

جدول ۳: نحوه طرح یا ارائه موضوعات مربوط به ورزش همگانی کشور در سطوح جامعه

مضمون‌ها	مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها
رسانه‌ها	مطبوعات، تبلیغات، صداوسیما.
نهادهای سازمان‌های ذی‌ربط و ذی‌نفع	آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، وزارت خانه‌ها، دستگاه‌های اجرایی، نیروهای مسلح و بسیج.
مطالبات اجتماعی	درخواست افراد جامعه.

شناسایی منابع اطلاعاتی مسائل ورزش همگانی هدف شامل ارگان‌ها و سازمان‌های داخلی و بین‌المللی، منابع علمی بعدی پژوهش بود. به منظور رسیدن به این منابع، پس از بررسی پژوهشی، منابع آماری و رسانه‌هاست. در جدول ۴، مقوله‌های نظر مصاحبه‌شوندگان، مؤلفه‌ها در چهار بخش ارائه شده که مرتبط با این مؤلفه‌ها آورده شده است.

جدول ۴: منابع اطلاعاتی برای شناسایی مسائل ورزش همگانی کشور

مضمون‌ها	مقوله‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها
ارگان‌ها و سازمان‌های داخلی و بین‌المللی	استان‌ها، سازمان بهداشت جهانی، فدراسیون‌ها، شهرداری‌ها، آموزش و پرورش.
منابع علمی - پژوهشی	پایان‌نامه‌ها، مطالعات تطبیقی، پژوهش‌های مختلف، بخش‌های تحقیقاتی در مجلس، مرکز مطالعات راهبردی، اسناد توسعه همگانی در وزارت ورزش.
منابع آماری	سرشماری و مصاحبه و منابع آماری موثق از مرکز آمار ایران، گزارش شاخص‌های کلان کشور، گزارش شورای عالی سلامت.
رسانه‌ها	صداوسیما، مطبوعات، خبرگزاری‌ها.

موجود در فرایند سیاست‌گذاری ورزش همگانی در جدول ۵ آمده است. با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده صفر است - از سطح ۰/۰۵ کمتر است - می‌توان نتیجه گرفت که، با وجود تفاوت در میانگین رتبه‌های آسیب‌های موجود در ورزش همگانی، آزمون فریدمن معنی‌دار نیست و آسیب‌های موجود تقریباً در یک سطح فرایند سیاست‌گذاری ورزش همگانی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

نتایج بخش کمی

در این بخش، نتایج به دست آمده از تحلیل پرسش‌نامه ارائه می‌شود و درصددیم تا به این سؤال پاسخ دهیم که کدام یک از آسیب‌های موجود در فرایند سیاست‌گذاری ورزش همگانی نقش بیشتری از سایر آسیب‌ها دارند؟ میانگین رتبه‌های آسیب‌های

جدول ۵: میانگین رتبه‌های آسیب‌های موجود در فرایند سیاست‌گذاری ورزش همگانی با استفاده از آزمون فریدمن

ردیف	آسیب‌های موجود در فرایند سیاست‌گذاری ورزش همگانی	میانگین رتبه‌ها
۱	ضعف نظارت و کنترل	۷/۱۹
۲	ساختار نامناسب و ضعف وزارت خانه‌ها و هیئت‌های استانی و...	۷/۳۷
۳	ضعف نظام ارتباطی در میان نهادهای مسئول	۷/۳۵
۴	تعدد تصمیم‌گیرندگان و نداشتن وحدت رویه جامع	۷/۱۷
۵	دیربازده بودن برنامه‌ها	۶/۶۹
۶	منابع مالی محدود	۸/۵۲
۷	عملکرد ضعیف رسانه‌ها	۸
۸	قوانین متمرکز و نهادینه‌نبودن سیاست‌ها	۷/۱۳
۹	عملکرد ضعیف نیروی انسانی	۹/۳۶
۱۰	مشارکت محدود مراکز علمی پژوهشی	۸/۲۴
۱۱	نبودن روش و الگوی منسجم	۷/۲۷
۱۲	دولتی بودن ورزش همگانی	۶/۰۶
۱۳	نبودن پژوهش نظام‌مند	۵/۷۹
۱۴	کم‌رنگ شدن نقش مردم و جراید در سیاست‌گذاری‌ها	۸/۵۹

جدول ۶: آماره‌های به‌دست‌آمده از مقایسه وضعیت موجود و وضعیت مطلوب راه‌های طرح یا ارائه موضوعات ورزش همگانی در سطح جامعه

	مطلوب-موجود
Z	-۱/۸۲۶
P	۰/۰۶۸

در ادامه این بخش به بررسی این سؤال پرداخته شد که آیا وضعیت موجود برای طرح یا ارائه موضوعات ورزش همگانی در سطح جامعه تفاوت معناداری با وضعیت مطلوب آن دارد؟ همان‌گونه که نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد، سطح معناداری به‌دست‌آمده ۰/۰۶۸ است که از سطح ۰/۰۵ بزرگ‌تر است. بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب برای طرح یا ارائه موضوعات ورزش همگانی در سطح جامعه تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، با روش کیفی به بررسی مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری ورزش همگانی کشور پرداخته شده است. به عقیده دانایی‌فرد (۱۳۸۷)، منفعت عمومی جامعه از سیاست‌گذاری، اثربخشی و سازگاری و میزان تطابق سیاست با اهداف و راهبردهای کلان دولت و نظام‌های نهادی و قانونی و اصلاحی، انصاف و برابری، و انعکاس ارزش‌های جامعه عواملی هستند که با استفاده از آن می‌توان درباره صحت یک سیاست یا فرایند سیاست‌گذاری قضاوت کرد. طبق اطلاعات به‌دست‌آمده، اکثر شرکت‌کنندگان در پژوهش بر این نظر بودند که در ورزش همگانی کشور سیاست‌گذاری صحیح انجام نمی‌شود. مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری ورزش همگانی کشور شامل مؤلفه‌های سازمانی، باورها و فرهنگ‌ها، شرایط اقتصادی، تحلیل، تفسیر و تدوین علمی و مطالعات و پژوهش‌هاست.

نتایج بخش اول پژوهش نشان داد که آسیب‌های موجود در فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی کشور شامل عواملی چون ضعف نظارت و کنترل، ساختار ضعیف، ضعف در برنامه‌ریزی و اجرا، عملکرد ضعیف رسانه‌ها، منابع مالی محدود، عملکرد ضعیف نیروی انسانی، قوانین و مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی است. ضعف نظارت و کنترل شامل مواردی از قبیل ضعف در سیستم نظارت و کنترل دقیق مسیرها و فرایندها در زمینه سیاست‌گذاری، پیگیر نبودن کمیته ملی المپیک و پارالمپیک و نبود نظارت جدی اداری و نظام‌مند بر اجرای سیاست‌ها و بی‌توجهی وزارت‌خانه‌های مسئول می‌شود. شعبانی و همکاران (۱۳۹۳)، یاراحمدی (۱۳۸۸)، جوادی‌پور و همکاران (۱۳۹۲) و آصفی (۱۳۹۲) نیز بر این نکته اتفاق نظر دارند که نبود برنامه‌های مدون برای تشویق و ترغیب مردم به ورزش همگانی،

نبود مدیریت واحد و سیاست یکسان در زمینه ورزش همگانی و بهره‌نگرفتن از نیروهای متخصص و کارشناس در زمینه ورزش همگانی از مهم‌ترین ضعف‌ها و آسیب‌های شناخته شده است. از دیگر آسیب‌های موجود در این فرایند می‌توان به ساختار ضعیف از جمله نبود ساختار قدرتمند مدیریتی و سازمانی، فقدان سامانه وزارت‌خانه و هیئت‌های استانی و وجود فدراسیون ورزش‌های همگانی و نداشتن فعالیت مستقیم زیر نظر وزارت ورزش، غیرسازمانی بودن مشارکت همگانی، نداشتن ساختار مدیریتی مناسب و ضعف نظام ارتباطی میان نهادهای مسئول اشاره کرد.

منابع مالی محدود از دیگر آسیب‌های موجود در فرایند سیاست‌گذاری در ورزش همگانی ایران است. در این زمینه، پیتر بارندز (۲۰۱۷) در تحقیقی با عنوان «برنامه ملی، دانش و نوآوری در ورزش و فعالیت بدنی در کشور هلند»، به سه ابزار اصلی این برنامه اشاره کرده است: مشوق‌های ورزشی محله‌ای (برای ایجاد انگیزه میان مردم در تمام سنین برای ورزش یا فعالیت بدنی بیشتر)، انگیزش ورزشی: کمک مالی به پروژه‌های ورزشی و تمرینی (کمک‌های مالی انگیزشی ورزشی برای باشگاه‌های ورزشی، مراکز تناسب اندام و دیگر ارائه‌دهندگان ورزشی در نظر گرفته شده تا برای فعالیت گروه‌های با مشارکت کم یا کم‌تحرك برنامه‌ریزی کنند) و به اشتراک‌گذاری تخصص و دانش در سطح ملی و محلی برای ایجاد شبکه محلی بین سازمان‌های ورزشی و سازمان‌های غیرانتفاعی محلی مانند مدارس و سایر نهادهای عمومی. آخرین آسیب ذکر شده در این فرایند، مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی است که شامل بلااستفاده ماندن ساعات زیادی در دانشگاه‌ها و مدارس و کارخانجات و بی‌توجهی به فاصله ایجاد شده بین کشورهای صاحب سبک در زمینه ورزش همگانی و ایران است. از جمله تحقیقات هم‌سو با این بخش از پژوهش می‌توان به پژوهش آصفی (۱۳۹۲) اشاره کرد. وی در نتایج تحقیق خود بیان می‌کند که واحد تحقیق و توسعه می‌تواند در نهادینه‌کردن ورزش همگانی در کشور کمک‌کننده باشد و تحقیقات درباره موانع توسعه ورزش همگانی، نیازسنجی از افراد، روندهای مشارکت در ورزش همگانی و مطالعات تطبیقی و الگوبرداری از کشورهای پیشرفته در بخش ورزش همگانی را زمینه‌ساز رشد و گسترش ورزش همگانی در جامعه می‌داند. همچنین آفرینش خاکی و همکاران (۱۳۸۴)، بر لزوم مطالعه، تحقیق و بررسی راه‌های مختلف در توسعه هرچه بیشتر ورزش همگانی تأکید می‌کنند و گردآوری داده‌های مورد نیاز در این زمینه را نخستین گام در مسیر تصمیم‌گیری‌های بعدی می‌دانند. از مباحث مطرح شده می‌شود به خوبی اهمیت تحقیق و پژوهش در فرایند برنامه‌سازی را درک کرد.

توسعه فرهنگی ورزش کشور و ایجاد انگیزه و آگاهی درباره فعالیت بدنی در ابعاد گوناگون برنامه‌ریزی مناسبی صورت گیرد.

شرایط اقتصادی شامل امکانات و تجهیزات مناسب، بودجه کافی برای ایجاد رغبت و عملیاتی شدن سیاست‌ها، بهره‌برداری از منابع مالی و دسترسی به امکانات لازم است. در تمام کشورهای دنیا به ورزش یارانه اختصاص داده می‌شود، اگرچه مقدار و نوع آن متفاوت است. این کمک‌های مالی عبارت‌اند از: یارانه مستقیم یا کمک مالی به ورزش، یارانه‌های غیرمستقیم مثل تخفیف‌ها و معافیت‌های مالیاتی و سرمایه‌گذاری با هدف ورزش رایگان یا همراه با یارانه از سوی دولت‌ها (Heinmann, 2005).

باین حال اغلب حکومت‌ها، برای ترویج سلامتی و تناسب اندام بین شهروندان، سرمایه‌گذاری بسیاری در ورزش می‌کنند. هراندازه دولت‌ها در بخش ورزش سرمایه‌گذاری می‌کنند و شهروندان به سمت ورزش روی می‌آورند، به همان میزان هزینه‌های درمانی و پزشکی کاهش می‌یابد. البته حمایت دولت‌ها از ورزش و سرمایه‌گذاری در آن صرفاً به منظور کاهش هزینه‌های درمانی نیست، بلکه سلامتی و شادابی جامعه به علل فراوان مهم ضروری است. باین‌همه، اعتقاد عمومی بر این است که ورزش باعث بهبود سلامتی و کاهش هزینه‌های درمانی می‌شود.

تحلیل، تفسیر و تدوین علمی شامل داشتن تعاریف واحد و همگون از ورزش همگانی، شناخت وضعیت موجود و نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها، تدوین فلسفه ورزش، هدف‌گذاری، طرح مسئله، شناخت محیط و تحلیل آن، تدوین برنامه جامع و تعیین سهم و وظایف هر نهاد و داشتن مدیران سیاست‌گذار است. مطالعات و پژوهش‌ها شامل مطالعه محیطی از کشورهای موفق در زمینه ورزش همگانی و الگوبرداری از آن‌ها، علمی بودن فرایند سیاست‌گذاری و منطبق بودن عملکرد با استانداردهای علمی است. از جمله تحقیقات هم‌سو با این بخش از پژوهش می‌توان به پژوهش آصفی (۱۳۹۲) اشاره کرد. وی در نتایج تحقیق خود بیان می‌کند که واحد تحقیق و توسعه می‌تواند در نهادینه کردن ورزش همگانی در کشور کمک‌کننده باشد و تحقیقات درباره موانع توسعه ورزش همگانی، نیازسنجی از افراد، روندهای مشارکت در ورزش همگانی و مطالعات تطبیقی و الگوبرداری از کشورهای پیشرفته در بخش ورزش همگانی را زمینه‌ساز رشد و گسترش ورزش همگانی در جامعه می‌داند. همچنین آفرینش خاکی و همکاران (۱۳۸۴)، بر لزوم مطالعه، تحقیق و بررسی راه‌های مختلف در توسعه هرچه بیشتر ورزش همگانی تأکید می‌کنند و گردآوری داده‌های موردنیاز در این زمینه را نخستین گام در مسیر تصمیم‌گیری‌های بعدی می‌دانند. از مباحث مطرح‌شده، اهمیت تحقیق و پژوهش در فرایند برنامه‌سازی به خوبی درک می‌شود.

از نظر مصاحبه‌شوندگان این تحقیق، نحوه طرح یا ارائه

مؤلفه‌های سازمانی عبارت‌اند از: راهبردهای مقام معظم رهبری، اسنادی همچون سند توسعه ورزش‌های همگانی و مسیر بحرانی آن، سند تحول و ارزیابی و پیگیری آن، ترویج ساختار مدیریتی ورزش‌های همگانی، دسترسی به ورزش‌های همگانی از لحاظ کمی و کیفی و فناوری اطلاعات و ارتباطات، مشارکت نهادهای عمومی و مردمی، برگزاری مستمر رویدادهای گوناگون، توجه به ورزش قهرمانی، توجه به ورزش برای کاهش آسیب‌های اجتماعی، بهره‌وری و استفاده از توانمندی افراد، گسترش رشته‌های گوناگون با همکاری نهادها و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی و سازمان‌های ذی‌ربط، میزان حضور ورزش در برنامه‌های نهادها و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی و سازمان‌های ذی‌ربط، وضع قوانین ورزش، میزان توجه به ورزش و برنامه‌ریزی برای آن. نتایج تحقیق اسدی و آصفی (۱۳۹۵) نیز نشان داد که فقدان سیاست‌گذاری و هدایت راهبردی منسجم و صحیح، نبود چشم‌انداز صحیح و اهداف بلندمدت مناسب و درنهایت نبود برنامه‌های سالانه و عملیاتی مناسب مانع توسعه ورزش همگانی دانشگاه شده است. در این زمینه می‌توان گفت، راهبردها و سیاست‌گذاری‌های ورزش همگانی به حمایت سازمان‌های دولتی و بخش خصوصی نیاز دارد و باید حداکثر امکانات، منابع، نیروی انسانی و تجهیزات فراهم شود. همچنین در این زمینه نتایج تحقیق تیناز و همکاران (۲۰۱۴) به این نکته دلالت دارد که درحالی‌که سیاست ورزش در ترکیه در حال توسعه است، برخی مسائل اهمیت بیشتری دارند از جمله ماهیت دائماً درحال تغییر ورزش مدارس، تداوم نداشتن سیاست‌های عمومی ورزش و وابستگی به سازمان‌های خصوصی برای پر کردن هزینه‌هایی که با سرمایه‌گذاری ناقص بخش دولتی باقی مانده است که به‌وضوح بر هدف اصلی سیاست فعلی ورزش در ترکیه، یعنی «افزایش مشارکت مردم در ورزش»، تأثیرگذار است.

باورها و فرهنگ‌ها شامل باورها و فرهنگ عمومی جامعه، فرهنگ ورزشی و تحرک در جامعه و نهادینه بودن آن، باورهای فرهنگی مردم درباره ورزش، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و سایر نهادها مثل آموزش و پرورش و دانشگاه‌ها و بهداشت و درمان و بهزیستی و حتی نیروهای نظامی است. از تحقیقات هم‌سو دیگر با این پژوهش می‌توان به پژوهش گودرزی و همکاران (۱۳۹۴)، ایرج‌پور و همکاران (۱۳۹۶) و عرب‌نرمی و همکاران (۱۳۹۵) اشاره کرد که نشان دادند تلویزیون ایران رویکرد مناسبی به ورزش همگانی ندارد و این مسئله نیازمند تغییر نگرش مدیران سازمان به این موضوع است. رسانه‌های جمعی، با وجود تأثیر در توسعه فرهنگی ورزش کشور، توجه مناسب و مطلوبی به این مسئله ندارند و بیشتر برنامه‌های ورزشی رسانه‌ها درباره ورزش قهرمانی و حرفه‌ای است و کمتر به ورزش همگانی توجه شده است. بنابراین توصیه می‌شود به منظور تعامل با رسانه‌ها و استفاده از ظرفیت‌های آن‌ها برای

باتجربه در ورزش همگانی و بومی‌سازی آن باتوجه به توانایی‌ها و امکانات موجود است. این فرایند نیز، باتوجه به ظرفیت‌های علمی و داشتن روش‌شناسی دقیق علمی، باید توسط کارشناسان و مراکز علمی هدف‌گذاری شود. ارتباط سازمان‌های مسئول و سیاست‌گذار با دانشگاه‌ها در این زمینه باید تقویت شود، نیازها اعلام و فرایند و مسیر آن با حساسیت هدایت شود. داشتن مراکز پژوهشی معتبر مانند مراکز سیاست‌پژوهی در دانشگاه‌ها ضروری است. شاکله مدیریتی این مراکز می‌تواند هیئت‌امنایی مشترک از وزارت ورزش، کمیته ملی المپیک و سایر دستگاه‌های اجرایی باشد.

۳. اصلاح ساختار موجود ورزش همگانی ضروری است، به طوری که در ارکان نظام ورزش همگانی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت، ضمن تفکیک از یکدیگر، مکمل هم باشند. تقسیم‌کار ملی در ورزش همگانی و تعیین نقش دولت و غیردولت محور این اصلاح ساختاری را تشکیل می‌دهد. ورزش همگانی از لحاظ برنامه‌ریزی و اجرا باید با مشارکت مردم صورت گیرد. نقش نهادهای عمومی و به‌ویژه انجمن‌های تخصصی باید برجسته شود.

۴. آموزش و آگاه‌سازی عمومی و ایجاد مشارکت وسیع و فراگیر در الگوی سیاست‌گذاری ورزش همگانی ایران نقش محوری داشته باشد.

۵. زیرساخت‌های سخت‌افزاری و طراحی نرم‌افزاری توسعه ورزش همگانی در ایران، ابتدا باید توسط دولت و نهادهای مسئول در ورزش همگانی ایجاد شود.

۶. راهبردهای سازمانی و استانداردسازی فعالیت‌های مربوط به ورزش همگانی در اولویت قرار گیرد.

منابع

- آصفی، احمدعلی، اسدی دستجردی، حسن (۱۳۹۵). «بررسی موانع توسعه ورزش همگانی در دانشگاه‌های دولتی شهر تهران و ارائه راهکارهای کاربردی توسعه آن». نشریه مدیریت ورزشی، ۸ (۶): ۸۲۳-۸۴۴.
- آصفی، احمدعلی (۱۳۹۲). شناسایی و مدل‌سازی عوامل مؤثر در نهادینه کردن ورزش همگانی در ایران، دانشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی دانشگاه تهران.
- آفرینش خاکی، اکبر، تندنویس، فریدون، مظفری، سید امیراحمد (۱۳۸۴). «مقایسه دیدگاه‌های اعضای هیئت علمی، مربیان، ورزشکاران و مدیران در مورد چگونگی توسعه ورزش همگانی». نشریه علوم حرکتی و ورزش، ۱ (۵): ۲۲.
- اشتریان، کیومرث (۱۳۸۷). «علوم سیاست‌گذاری و دستاوردهای آن برای ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۷: ۱۵۹-۱۷۰.
- الوانی، سیدمهدی، شریف‌زاده، فتح (۱۳۸۳). خط‌مشی سیاست‌گذاری عمومی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ایرج‌پور علیرضا، مجرد، ناهید، دباغ رضاییه، فرامرز (۱۳۹۶). «بررسی نقش رسانه‌های جمعی در توسعه فرهنگی ورزش همگانی و حرفه‌ای کشور».

موضوعات مربوط به ورزش همگانی کشور در جامعه از طریق رسانه‌ها، نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط و ذی‌نفع، و مطالبات اجتماعی است. رسانه‌های فعال در جامعه نظیر مطبوعات و صداوسیما، از طریق تبلیغات، انتشار اخبار، بیان ضرورت و لزوم ورزش همگانی و عقاید کارشناسان این حوزه، فرهنگ‌سازی و الگوسازی، بیان محدودیت‌ها و نقایص و منتشرکردن فعالیت‌های انجام‌شده، موضوعات مربوط به ورزش همگانی کشور را در جامعه مطرح می‌کنند. نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط و ذی‌نفع شامل آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، وزارت‌خانه‌ها، دستگاه‌های اجرایی، نیروهای مسلح و بسیج است که یکی از راه‌های مطرح‌کردن موضوعات ورزش همگانی در سطوح مختلف جامعه هستند. معمولاً وزارت ورزش و جوانان متولی اصلی این امر است که شورای عالی ورزش همگانی را تشکیل می‌دهد و از طریق این شورا وظایف وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌ها و ارگان‌ها ذی‌ربط تعیین و به آن‌ها ابلاغ می‌شود. آخرین مؤلفه نحوه طرح موضوعات مربوط به ورزش همگانی مطالبات اجتماعی است. در واقع درخواست افراد جامعه و مطالبات آن‌ها از مسئولان و سیاست‌گذاران ورزش کشور موجب می‌شود که موضوعات مرتبط با ورزش همگانی در جامعه منتشر و مطرح شود. بی‌تفاوت‌نبودن مردم به این موضوع نیرویی محرک برای مسئولان امر است. به عبارت دیگر موضوعات در قالب انتظارات از مسئولان تراز اول کشور، از طریق تبلیغات رسانه‌ای به‌ویژه صداوسیما، با مطالبه‌گری اعضای خانواده به‌ویژه زنان و دختران جامعه با رویکرد نیاز به سلامت جسمانی و روانی مطرح می‌شود.

راهکارهای پیشنهادی برای کاهش آسیب‌ها و ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی برای طراحی نظام سیاست‌گذاری در ورزش همگانی ایران:

در این تحقیق، مهم‌ترین مشکلات و آسیب‌های فرایند سیاست‌گذاری در محورهای مختلف ضعف نظارت و کنترل، بی‌توجهی سازمان‌های مسئول در ورزش همگانی به موضوع سیاست‌گذاری، ساختار اداری ضعیف، ضعف در برنامه‌ریزی و اجرا، عملکرد ضعیف رسانه‌ای، منابع مالی محدود، ناکافی بودن قوانین و مقررات و مشارکت محدود مراکز علمی و پژوهشی در موضوع سیاست‌گذاری ورزش همگانی فهرست شده است. راهکارهای پیشنهادی این پژوهش به شرح زیر است:

- شناخت عمیق این مشکلات بر پایه مطالعات پژوهشی و تحلیل آن‌ها در فرایند مدیریت و برطرف کردن آن‌ها نخستین گام در سیاست‌گذاری ورزش همگانی در ایران به‌شمار می‌آید. در این بخش، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی باید نقشی فعال ایفا نمایند.
- گام بعدی مطالعه تطبیقی و الگوبرداری از کشورهای پیشرو و

- Kim, B. C. (2001). *Sport, Politics, and the New Nation: Sport Policy in the Republic of Korea, 1961-1992*.
- Malakoutian, M. (2009). Sport and Politics. *Ppolitics Quarterly: Journal of Faculty of Law and Political Science*. 39 (2) : 301-316.
- Mintzberg, H., Ahlstrand, B. and Lampel, J. (1998). "Strategy Safari", *Free Press*, New York.
- Sargit S. (2017). "Sport Malaysia: Policies and development strategies for the Populace". *Second International Sport for all Conference*, Tehran.
- Streubert H, Carpenter DR. (2011). *Qualitative research in nursing Philadelphia*, Lippincott co.
- Tinaz, C. Michele and D. Salisbury, P (2014). "Sport policy in Turkey", *International Journal of Sport Policy and Politics*, 6:3, 533-545.
- فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش، ۵ (۲): ۳۶-۵۲.
- جوادی پور، محمد، قوبدل سرکنندی، مزده، سمیع‌نیا، مونا (۱۳۹۲). «ارائه چارچوب نظری و طراحی الگو برای توسعه ورزش همگانی در ایران». *مطالعات مدیریت ورزشی پژوهشکده تربیت‌بدنی*، دوره ۵، ش ۲۱: ۱۲۷-۱۴۸.
- دانایی فرد، ح. (۱۳۸۷). *چالش‌های مدیریت دولتی در ایران*. تهران: سمت.
- سوادی، مهدی، همتی‌نژاد، مهرعلی، قلی‌زاده، محمدحسین، گوهررستمی، حمیدرضا (۱۳۹۶). «طراحی الگوی توسعه ورزش همگانی در استان هرمزگان». *فصلنامه مدیریت و توسعه ورزش*، ۶ (۲): ۸۶-۱۰۱.
- شعبانی، عباس، غفوری، فرزاد، هنری، حبیب (۱۳۹۳). «مطالعه سیاست‌ها و راهبردهای ورزش همگانی نظام جامع توسعه ورزش کشور». *مجله مدیریت ورزشی دانشگاه تهران*، ۶ (۲۷): ۱۵-۳۰.
- طرح اجمالی سند راهبرد توسعه نظام جامع تربیت‌بدنی و ورزش (۱۳۸۱). سازمان تربیت‌بدنی جمهوری اسلامی ایران، شرکت راد سامانه آذر.
- عرب‌نریمی، بتول، گودرزی، محمود، سجادی، سید نصراللهی، خیبری، محمد (۱۳۹۵). «تلویزیون و توسعه ورزش همگانی: یک نظریه برخاسته از داده‌ها». *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۸ (۴۰): ۱۷-۳۸.
- غفوری، فرزاد، هنرور، افشار، هنری، حبیب، علی، م. (۱۳۸۶). «مطالعه انواع ورزش‌های همگانی و تفریحات مطلوب جامعه و ارائه مدل برای برنامه‌ریزی‌های آینده». *طرح پژوهشی سازمان تربیت‌بدنی جمهوری اسلامی ایران*.
- گودرزی، محمود، اسلامی، ایوب، علیدوست قهفرخی، ابراهیم (۱۳۹۴). «شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه فرهنگ ورزش همگانی از طریق سیمای جمهوری اسلامی ایران». *پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی*، ۳ (۱۵): ۱۱-۲۷.
- یاراحمدی، محمد (۱۳۸۸). «بررسی وضعیت موجود ورزش قهرمانی و همگانی شهرستان درود». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه پیام نور تهران.
- Barendse, P. (2017). "National Program, Knowledge and Innovation in sport and Physical Activity in the Netherlands". *Second International Sport for all Conference*, Tehran.
- Dousti, M., Goodarzi M, Asadi and H, Khabiri M. (2013). Sport policy in Iran, *International Journal of Sport Policy and Politics* 5 (1) : 151-158.
- Guba, E. G. & Lincoln, Y. S. (1994). *Competing Paradigms in Qualitative Rresearch, Handbook of Qualitative Research*. London: Sage.
- Heinmann, K. (2005). *Sport and the Welfare State in Europe*, European College of Sport Science.
- Houlihan, B. (2005). "Public Sector Sport Policy. Developing a Framework for Analysis International". *Review for the Sociology of Sport* 40 (2) :163-185.
- Josef, F and Cecilia, S. (2015). "Sport policy in Sweden". *International Journal of Sport Policy and Politics* 8 (3): 515-531.